
Post-secularism, Lifestyle and Religious Teachings (Case study of high schools in Qom)

Mohammad Hossain Pouriani¹
Mostafa Alizadeh Arand²
Rahman Ansari³

Abstract

Post-secularism means re-orientation towards religion and its impact on people's lives. The present study examines the relationship between religious teachings on the lifestyle of high schools in Qom, district 4, by using a survey research and questionnaire. Morgan table was used to calculate the sample size, and for each group (girls and boys) independently, a sample of 360 people was randomly selected. Data analysis was performed through using inferential statistics, which the simple linear regression was obtained by calculating Cronbach's alpha coefficient.

In this study, the Lifestyle Questionnaire examined six factors that had internal relationship with each other. The results indicate that religious teachings have meaningful relationship in four dimensions of lifestyle that the greatest impact was on perception of life and then social responsibility, stress management and social support, respectively. The results of the comparison between the two groups of boys and girls show the superiority of boys over girls in two dimensions of social support and stress management; and in contrast, it suggested the superiority of girls over boys in two dimensions of social responsibility and perception of life.

Keywords

Post-secularism, Lifestyle, religious teachings.

1. Assistant professor, Department of sociology, Islamic Azad University of Naraq. mhpouryani@yahoo.com

2. M.A in social sciences, University of Qom. mostafasin42@gmail.com

3. M.A in social sciences, Islamic Azad University of Naraq. rahmanansary65@gmail.com

پساکولاریسم، سبک زندگی و آموزه‌های دینی

(مورد مطالعه دبیرستان‌های شهر قم)

* محمدحسین پوریانی

** مصطفی‌علیزاده آرند

*** رحمان انصاری

چکیده

پساکولاریسم، به معنای گرایش دوباره به دین و تأثیر آن در زندگی مردم است. پژوهش حاضر، به بررسی ارتباط آموزه‌های دینی بر سبک زندگی دبیرستان‌های ناحیه چهار قم به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه پرداخته است. برای محاسبه حجم نمونه از جدول مورگان، استفاده و برای هر دو گروه (دختر و پسر) به صورت مستقل، نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات، با استفاده از آمار استنباطی است که از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، رگرسیون خطی ساده به دست آمده است. در این پژوهش، پرسش‌نامه سبک زندگی، شش عامل را که با هم ارتباط درونی داشتند، بررسی کرده است. نتایج پژوهش، نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی در چهار بُعد از سبک زندگی، رابطه معناداری دارند که بیشترین تأثیر در بُعد درک از زندگی و سپس به ترتیب، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مدیریت استرس و حمایت اجتماعی بود. نتایج مقایسه میان دو گروه پسران و دختران، نشان‌دهنده برتری گروه پسران در دو بُعد؛ حمایت اجتماعی و مدیریت استرس نسبت به دختران و در مقابل، برتری ناچیز گروه دختران در دو بُعد؛ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و درک از زندگی نسبت به گروه پسران است.

کلیدواژه‌ها

پساکولاریسم، سبک زندگی، آموزه‌های دینی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

mhpouryani@yahoo.com

mostafasin42@gmail.com

rahmanansary65@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی نراق

** کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه قم

*** کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه و بیان مسئله

جریان غالب عصر روشنگری، افول دین را پیامد اجتناب‌ناپذیر مدرنیته اعلام کردند؛ از جمله نیچه، اعلام کرد که «خدا، مرده است»، مارکس و فروید نیز، از دین به‌عنوان «افیون توده‌ها» نام برده‌اند (Berger, 2008)، اما از نیمه دوم قرن بیستم، تحولاتی در گوشه و کنار جهان روی داد که نشانگر بازگشت دین به صحنه اجتماعی و سیاسی بود. از جمله این تحولات، می‌توان به پیدایش الهیات رهایی‌بخش در آمریکای لاتین، بنیادگرایی در جهان اسلام، گسترش و تکثر مذهب در اروپا و آمریکا اشاره کرد که بازتاب این دگرگونی‌ها به چالش کشیدن نظریه سکولاریسم توسط اندیشمندان سیاسی و اجتماعی بود. این وضعیت جدید از حضور مذهب در عرصه حیات اجتماعی را پس‌اسکولار نامیدند (شفیعی، ۱۳۹۴، به نقل از غفاری‌نسب و هاشمی‌پور، ۱۳۹۶: ص ۶۵۸).

پس‌اسکولاریسم در حال حاضر؛ به‌معنای، احیاء دین و نقش تأثیرگذار آن در زندگی عمومی جوامع است. با توجه به فرایند جهانی شدن و به تبع آن، همزیستی اقوام و گروه‌های مختلف با سبک زندگی‌های گوناگون، اهمیت سبک زندگی و مسائل چالش‌برانگیز آن، روزبه‌روز برجسته‌تر می‌شود و به تدریج، مفهوم چالش‌برانگیز سبک زندگی به‌جای طبقه، در کانون تحلیل‌های جامعه‌شناسان قرار گرفت. توجه به مفهوم سبک زندگی، سبب شد تا برداشت‌ها و تعریف‌های متفاوتی از آن در حوزه علوم اجتماعی پدیدار شود که در اکثر موارد، نقش ارزش‌ها و پدیده‌های مدرن در تنوع بیشتر در سبک‌های زندگی جالب توجه بوده است. اغلب افراد، در این واقعیت که در دنیای مدرن با سبک‌های متفاوت زندگی روبه‌رو هستیم، اختلاف نظر ندارند؛ اما بر سر این که چه عاملی موجب تنوع در سبک‌های زندگی شده است، بحث‌های نظری و کوشش‌های تجربی متفاوتی صورت گرفته است. در این میان، حیات دینی و گرایش‌های مذهبی افراد از جمله عوامل و شرایطی است که بر گرایش به سبک خاصی از زندگی مؤثر واقع می‌شود. بدیهی است که در جوامعی که نمادها، انگاره‌ها، ارزش‌ها و مناسک دینی حضور قوی دارند، سبک زندگی نیز تحت تأثیر دین و آموزه‌های آن قرار می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۹۲: ص ۲۹).

مطالعات کانتور و لنگستون (Cantor & Langston, 1989)، والت (Walt, 2002)، و مک کی

(Mckay, 1996)، نشان دادند که باورهای مذهبی در شکل‌گیری سبک زندگی افراد نقشی تعیین‌کننده دارند. همین‌طور مذهب، نقش تعیین‌کننده‌ای بر سلامت افراد دارد و آستانه تحمل در مواجهه با بیماری‌های مزمن را افزایش می‌دهد (Adegbola, 2011). علاوه بر این، شرکت در مراسم مذهبی و ارتباط با افراد مذهبی باعث ایجاد حمایت اجتماعی برای افراد می‌شود (Nooney, 2002). همین‌طور شرکت در فعالیت‌ها و مناسک مذهبی، سلامت کلی افراد را ارتقاء می‌بخشد و مذهب، مشکلات روحی و جسمانی افراد را کاهش و در بهبود زندگی افراد تأثیر به‌سزایی دارد (الله‌بخشیان و همکاران، ۱۳۸۹؛ به نقل از خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۲-۳).

برخورداری افراد از میزان مختلف دین‌داری، سبب شده است تا آنان نگرش‌های متنوعی به زندگی داشته باشند که این مسئله در بسیاری از موارد، زمینه‌ساز تعارض در پدیده‌های اجتماعی می‌شود؛ زیرا افراد با برخورداری از میزان‌های مختلف دین‌داری، پدیده‌های اجتماعی را به اشکال متفاوت می‌فهمند و معنا می‌بخشند؛ بنابراین، درنهایت، نوع خاصی از سبک زندگی را در پیش می‌گیرند و از طریق جامعه‌پذیری، فرزندان‌شان آن را بازتولید می‌کنند (علینی، ۱۳۹۱: ص ۸۵).

ایران به‌عنوان یک کشور اسلامی، از نظام سنتی دیرینه‌ای برخوردار است که با باورهای دینی درآمیخته است. باورهای مذهبی در مواقع بحرانی، رفع نیازهای روحی و بهبود سلامت جسمی و روانی مردم ایران تأثیر فراوانی داشته است. محققان در پژوهش‌های مختلفی، بر رابطه دین‌داری با وجوه گوناگون زندگی ایرانیان اذعان داشته‌اند. از جمله، اسفندآبادی و نادری (۱۳۸۸)، رابطه معنی‌داری میان نگرش مذهبی و کیفیت زندگی یافته‌اند. همچنین، واحدی و غنی‌زاده (۱۳۸۸)، اذعان کرده‌اند که بین انگیزش مذهبی و بهزیستی روانی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۳۰). گسترش ارزش‌های مدرن تکثرگرایی، فردگرایی، آزادی‌خواهی و دموکراسی، موجب ناهمگونی در همه‌چیز شده است که یکی از مظاهر این ناهمگونی، گرایش به سبک زندگی‌های متنوع می‌باشد (کاویانی، ۱۳۹۲: ص ۶۷). تحقیقات نشان می‌دهند که ایرانیان از جهات مختلفی متأثر از فرآیند جهانی شدن هستند. در نتیجه، افراد از فرصت‌های زیادی برای انتخاب سبک زندگی مختلف برخوردار هستند.

جامعه ایران، شاهد انواع متفاوتی از سبک زندگی است که تحت تأثیر عواملی از جمله:

گسترش رسانه‌ها، تفکیک اجتماعی، جهانی شدن، رواج ارزش‌های مدرنیته، بازانديشی نسلی و تحصیلات دانشگاهی می‌باشد؛ بنابراین، از نظر محققان (آزاد ارمکی و شالچی، ۱۳۸۴: ص ۱۶۳-۱۸۳)، سبک زندگی جامعه ایران متنوع‌تر و دچار تغییر شده است؛ به طوری که از کیا و حسینی (۱۳۸۹) نشان داده‌اند که این تغییرات سبک زندگی در قلمرو روستایی هم اتفاق افتاده است. گسترش رسانه، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، از مهم‌ترین عواملی هستند که حدود ۸۰ درصد تغییرات سبک زندگی خانواده‌های ایرانی متأثر از آن است (ازکیا و حسینی، ۱۳۸۹: ص ۲۴۳). بنابراین، بررسی سبک زندگی جامعه در حال گذاری مانند ایران، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا از یک سو، شاهد دنیای مدرنی هستیم که در آن، ارزش‌هایی همچون مصرف‌گرایی و فردگرایی حاکم است که این نوع سبک زندگی مبتنی بر مصرف‌گرایی و تنوع‌طلبی است؛ اما از طرف دیگر، ارزش‌های دینی و باورهای حاکم بر آن مانند: برادری، برابری، بذل و بخشش، قناعت، دیدوبازدید و صلح‌رحم با دوستان و خویشاوندان و مخالف با هرگونه اسراف، شیوه‌ای از زندگی همسان و تقریباً یکنواخت را ترویج می‌کند. جامعه ایران بیش‌ازپیش در مواجهه با سبک‌های زندگی متنوع‌تری قرار گرفته است. اهمیت مسئله از آنجا برجسته‌تر می‌نماید که سبک زندگی ایرانی در مواجهه و اثرپذیری از سه نوع سبک زندگی؛ یعنی، سبک سنتی و قومیتی ایران، سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی غربی می‌باشد.

متناسب با موضوع بحث، شهر قم - که از مهم‌ترین شهرهای مذهبی ایران و دارای سابقه تاریخی طولانی بوده و در طول سال، پذیرای مهاجرین زیادی از اقوام مختلف و دیگر شهرها و کشورها است - می‌تواند نمونه خوبی برای بررسی و شناخت تأثیر آموزهای دینی بر سبک زندگی باشد. در این پژوهش، سبک زندگی افراد با توجه به معیارهایی در تغذیه (سه وعده غذایی در روز و استفاده از میوه و سبزیجات و مانند آن)، حمایت اجتماعی (بیان احساسات، لبخندزدن، رابطه با دوستان و ...)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (توجه به برچسب مواد غذایی، کنترل وزن، خواندن اطلاعات بهداشتی و ...)، درک از زندگی (دوست‌داشتن خود، مثبت فکر کردن، معتقد به هدف در زندگی و ...)، ورزش یا فعالیت‌های جسمانی (انجام حرکات ورزشی، نرمش قبل از ورزش، شرکت در کلاس‌های ورزش مدرسه و ...)، مدیریت استرس (خوابیدن ۶ تا ۸ ساعت در شب، اولویت‌بندی اهداف روزانه، خودکنترلی و ...) سنجیده شده است.

با توجه به این که در دهه‌های اخیر، بخش زیادی از پدیده‌های اجتماعی به دین مرتبط می‌شود، بررسی و پژوهش در مورد دین، از موضوعات مهم در جامعه‌شناسی به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی روابط دین و آموزه‌های آن با گرایش به انواع مختلف سبک‌های زندگی در شهر قم می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. تحقیقات داخلی

۱. خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی در رابطه با میزان مذهبی بودن و سبک زندگی با از خودبیگانگی نوجوانان در شیراز به این نتیجه دست یافتند که مناسک مذهبی، هویت مذهبی و سبک زندگی دینی، رابطه منفی با از خودبیگانگی نوجوانان دارد.
 ۲. نصرتی و ذوالفقاری (۱۳۹۱)، در پژوهش خود با عنوان «تأثیر میزان دین‌داری بر سبک زندگی جوانان تهرانی» بر روی جوانان ۱۸-۲۹ ساله ساکن در مناطق بالاشهر و پایین شهر تهران و به حجم نمونه ۲۹۴ با استفاده از روش پیمایشی به شناسایی انواع سبک‌های زندگی سنتی، مدرن و ترکیبی، رابطه آن‌ها با میزان دین‌داری پرداختند. یافته‌ها، نشان داد که هرچه میزان دین‌داری پایین‌تر باشد، سبک‌های زندگی، مدرن‌تر و هرچه افراد، دین‌دارتر هستند، سبک زندگی، سنتی و غیرمدرن‌تر می‌شود. همچنین، در میان پنج مؤلفه اصلی سبک زندگی مورد بررسی در این پژوهش، مدیریت بدن و توجه به پدیده مُد در مصرف مادی جوانان، بیش از سایر مؤلفه‌های سبک زندگی تحت تأثیر مدرنیته بوده و شکل مدرن به خود گرفته است.
 ۳. بیدختی و شریفی (۱۳۹۱)، به بررسی نقش سرمایه اجتماعی و دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی، در قالب الگویی مفهومی با روش توصیفی-همبستگی و جامعه آماری، شامل دانشجویان شهر سمنان و جامعه نمونه ۳۳۲ نفر پرداختند.
- ایشان، برای بررسی تأثیر بین متغیرهای دین‌داری (درون‌زا) و احساس امنیت (برون‌زا) نیز، از محاسبات همبستگی و نهایتاً برای تأیید الگوی مفهومی طراحی شده، از تکنیک «معادلات ساختاری» استفاده کردند. نتایج، نشان داده است که بین مؤلفه‌ها و ابعاد دین‌داری

و مؤلفه‌های مناسکی، دارای بالاترین اثر بر سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی نیز، بر روی احساس امنیت جانی، مالی و سیاسی، اثر مثبت و معنادار دارد.

۴. سمیه ولایتی خواجه (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی اثر دین‌داری و سلامت» که با روش پیمایشی و حجم نمونه ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز انجام شده است، به نتایج زیر رسیده است: دین‌داری، به لحاظ آماری به‌طور مستقیم دارای همبستگی مثبت و معناداری با سبک زندگی سلامت‌محور، حمایت اجتماعی و سلامت کلی (جسمی، روانی، اجتماعی) می‌باشد. همچنین، افراد دین‌دار در مقایسه با افراد کمتر دین‌دار، از سبک زندگی سالم‌تری برخوردارند، حمایت اجتماعی بیشتری دریافت می‌کنند و از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی بیشتری برخوردارند.

۵. تنهایی و خرمی، در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی در کرمانشاه»، سعی کردند با استفاده از چارچوب نظری و روش‌شناختی گافمن، رابطه باورهای دینی با سبک زندگی افراد را در جلو صحنه و پشت صحنه زندگی آنان بررسی کنند. نتایج نشان داده که افراد در جلو صحنه به گونه‌ای ایفای نقش می‌کنند که مورد پذیرش دیگران و فرهنگ جامعه باشد، ولی در پشت صحنه از آن‌جا که افراد آزادی عمل بیشتری دارند و تحت نظارت هنجارها و قوانین نیستند، به خود واقعی‌شان نزدیک‌تر می‌شوند. همچنین، از آن‌جا که جلوی صحنه، بیشتر تحت تأثیر باورها و فرهنگ جامعه می‌باشد، لذا افراد در جلوی صحنه سعی می‌کنند آن بخشی از خود را نمایش دهند که مطابق با باورها و فرهنگ جامعه و نیز پذیرش دیگران واقع شود (تنهایی و خرمی، ۱۳۸۸: ص ۱۹).

۲-۲. تحقیقات خارجی

۱. هلت و دیگران (۲۰۰۵)، در بررسی نقش مذهب بر اعتقادات و رفتارهای زنان آفریقایی-آمریکایی، بیان می‌کنند که اعتقادات مذهبی در میان زنان آفریقایی-آمریکایی، تأثیر به‌سزایی دارد و بر سبک زندگی و رژیم غذایی آن‌ها مانند استفاده از میوه و سبزیجات و وعده‌های غذایی سالم اثر می‌گذارد. اعتقادات مذهبی به کاررفته در این تحقیق، شامل بُعد سازمانی (تمایل به خدمت مذهبی)، غیرسازمانی (نماز خواندن)، ذهنی (گوش دادن به نوارهای مذهبی)، اعتقادات مذهبی (اعتقاد به حضور خدا در زندگی)، رفتار مذهبی (انجام

عبادات) و مانند آن است. کسانی که مذهبی هستند، بیشتر میوه و سبزیجات استفاده می‌کنند و هنگامی که مریض می‌شوند، بیشتر احساس می‌کنند که می‌توانند با مریضی مقابله کنند. این نمونه، در بین کسانی که سرطان سینه داشتند، بررسی شده است (Holt et al, 2005).

محققان در مطالعات خود تأکید کرده‌اند که افراد حضور در مکان‌های مذهبی را عامل خوشنودی و رضایت از زندگی تلقی می‌کنند (Lim & Putnam, 2010: P.914-933).

۲. نتایج تحقیق لارویک و همکاران، با عنوان: «بررسی رابطه دین‌داری و آسایش روانی»، نشان می‌دهد که رابطه میان دین‌داری و آسایش روانی با توجه به بستر فرهنگی تغییر می‌کند؛ یعنی اینکه الگوی عامی برای دو متغیر یادشده وجود ندارد، بلکه در هر مطالعه باید بستر فرهنگی مربوطه را در نظر گرفت (Larvic et al, 2000: p.164-175).

۳. پلما و پندلتون در مطالعه خود، به بررسی تأثیر انواع دعاها بر کیفیت زندگی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد افرادی که گاهی به دعا روی می‌آورند، شادکام نیستند، اما افرادی که معمولاً مشغول دعاخواندن هستند، از رضایت بیشتری برخوردارند. در واقع، دسته اول، هنگامی به دعا روی می‌آورند که در زندگی‌شان دچار مشکل و ناملايمات شده‌اند (poloma & pendeleton, 1989: p.46-53).

۳-۲. نقد و ارزیابی پیشینه تحقیقاتی

با نگاهی به پژوهش‌های خارجی انجام‌شده، روشن می‌شود که مذهب؛ آن‌گونه که باورها، ارزش‌ها و دستورالعمل‌های زندگی انسان‌ها را شکل می‌دهد، به خوبی بررسی نشده و عمدتاً، تأکید بر معنویت یا مناسک مذهبی بوده است. هم‌چنین، در بررسی تأثیر دین‌داری بر سبک‌های زندگی افراد، باید سبک‌های مختلف و وسیع‌تری که ورای مصرف‌گرایی مدرن یا سنتی باشد، بررسی شود. در زمینه پژوهش‌های داخلی نیز محدود تحقیقات صورت گرفته، به‌طور عمده با رویکرد غربی صورت گرفته است و تأکید بر مصرف‌گرایی و مدرن‌بودن یا نبودن، مدنظر بوده است؛ این در حالی است که سبک‌های زندگی، دارای ابعادی به‌مراتب وسیع‌تر از مصرف‌گرایی می‌باشد. تأثیر آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه تأثیر آموزه‌های اختصاصی شیعه بر سبک زندگی افراد در هیچ تحقیقی تاکنون بررسی نشده است که نیازمند پژوهش‌های دیگری است.

۳. چارچوب مفهومی

نظریات علوم اجتماعی در رابطه با دین و مدرنیته متفاوت است. در این میان، به نظریه دو تن از متفکران جامعه‌شناسان که ارتباط بیشتری با تحقیق دارد، اشاره می‌شد.

دورکیم در کتاب خود صور بنیانی حیات دینی را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که بر ساخت جامعه است، اما باعث استواری و همبستگی جامعه می‌شود. دورکیم، معتقد است که ادیان فقط یک موضوع اعتقادی نیستند، بلکه شامل مناسک و شعائر منظمی هستند که برای انسجام جوامع مختلف ضروری می‌باشند. دورکیم چنین استدلال می‌کند که در مناسک جمعی، حس همبستگی گروهی تقویت می‌شود؛ بنابراین، افراد را از امور مربوط به زندگی اجتماعی نامقدس دور کرده و به قلمرویی متعالی وارد می‌کند که در آن، اعضای گروه، خود را در ارتباط با نیروهای عالی‌تر می‌بینند. این نیروهای عالی‌تر، به توت‌ها یا خدایان نسبت داده می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۴: ص ۴۲۱).

به عقیده وبر، جامعه‌شناسی، کارش مطالعه جوهر پدیده دینی نیست، بلکه رفتارهای دینی را، بررسی می‌کند. وی، تأثیر دین را بر جنبه‌های گوناگون اقتصادی اجتماعی بررسی کرد (ژولین، ۱۳۶۸: ص ۱۸۸). شاید بهترین نمود جامعه‌شناسی دینی در آثار وبر، همان اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری باشد که به بررسی مذهب پروتستان و تأثیر آن بر روحیه اقتصادی مؤمنان پرداخته می‌پردازد. وبر معتقد است: کالونیسم شعبه‌ای از مذهب پروتستان بود که پیروان خود را به سوی امور دنیوی سوق می‌داد؛ زیرا مذهب کالونیسم به پیروان خود توصیه می‌کند که از لذت‌های دنیوی دوری گزینند و برای به‌دست آوردن ثروت بکوشند. در چنین آئینی مؤمن از آن جهت کار می‌کند که آن را عبادت خدا می‌داند (جلالی‌مقدم، ۱۳۷۹: ص ۱۲۰). بنابراین، نخستین کارآفرینان، اکثراً از پیروان کالون بودند که انگیزه آن‌ها برای موفقیت در اصل از میل به خدمت خداوند سرچشمه می‌گرفت و موفقیت مادی برای آن‌ها نشانه‌ای از لطف الهی بود (وبر، ۱۳۷۳: ص ۳۸).

نظریات جامعه‌شناسی، از محو کامل دین تا به حاشیه‌رفتن و یا احیاء مجدد دین در تغییر هستند؛ اما جریان سومی در جامعه‌شناسی در حال شکل‌گیری است که طبق آن مدرنیته به‌طور اجتناب‌ناپذیر با دین مخالف نیست، بلکه بر این باور است که ما به عصر پساسکولاریسم وارد شده‌ایم (غفاری‌نسب و هاشمی‌پور، ۱۳۹۶: ص ۶۵۴).

اگر دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰، با ایده‌محو دین مرتبط بوده است، اما دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، اغلب جامعه‌شناسان، به این توافق رسیده‌اند که برخی از اصول نظریه سکولاریسم غیرقابل دفاع است (همان: ص ۶۵۸). می‌توان گفت که امروزه در بیشتر جهان، باورهای دینی گسترش یافته است؛ همان‌طور که گریس دیوی از جامعه‌شناسان دین بر این باور است که اگرچه اروپایی‌ها حضور کمتری در مکان‌های دینی دارند اما آن‌ها سیرت دینی خود را از دست نداده‌اند (Ducker, 2001. P.1-12). دین، کوششی است برای معنادار ساختن هستی برای انسان که بر بی‌هنجاری‌ها و ناملایمات زندگی فائق می‌آید؛ بنابراین، دین با برقراری کیهان مقدس زندگی را معنی‌دار می‌سازد؛ در نتیجه، نقشی توجیه‌گرانه و مشروعیت‌بخش در زندگی دارد (یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ص ۹۴). دین، نقشی اساسی در تفسیر انسان از ساخت جامعه و جهان ارائه می‌دهد؛ یعنی این که دین، تلاشی جسورانه برای فهم تمامیت جهان می‌باشد (Berger, 1973: p.37). برخی دیگر مانند: وبر، پارسونز، جانسون، بر این باورند که دین، هیچ‌گاه به‌طور کامل از ساحت جامعه محو نخواهد شد، اما نقش سنتی خود را از دست می‌دهد و به حاشیه خواهد رفت (پویافر و نوربخش، ۱۳۸۹: ص ۱۳-۱۴).

پساسکولاریسم^۱، از اندیشه‌های هابرماس پیرامون جایگاه دین در فضای عمومی نشأت گرفته است. این اصطلاح بیشتر برای تجدید حیات دینی در جوامع به کار می‌رود. پیتز برگر (۱۹۹۹) نیز در دفاع از سکولاریسم عدول کرد و کتاب افول سکولاریسم را نگاشت. به اعتقاد او سکولاریزادایی به‌اندازه سکولاریسم در دنیای جدید وجود دارد (کرمی‌پور، ۱۳۸۸: ص ۱۵۹). مدرنیته، ضرورتاً منجر به سکولاریسم نمی‌شود؛ اما یکی از وجوه مدرنیته تکثرگرایی است؛ یعنی این که جهان‌بینی‌ها و باورهای مختلفی در یک جامعه است (Thuswaldne, 2014: p.12). از نظر هیک، این جهان‌بینی‌ها و باورهای متکثر، بخشی از جهان بزرگ ادیان هستند (Hick, 2001: p.157).

برگر، معتقد است که در عصر پاساسکولار، جهت‌گیری عمده به سوی دین در میان مسلمانان صورت می‌گیرد؛ اما در ایالات متحده و اروپا تغییر قابل توجهی دیده نمی‌شود؛ به‌طوری که در جهان، دو انفجار دینی بزرگ رخ داده است: اسلام پویا و پروتستان انجیلی.

جنبش اسلامی، حتی خارج از کشورهای مسلمان و در غرب در حال افزایش است (غفاری‌نسب و هاشمی‌پور، ۱۳۹۶: ص ۶۴۰). به‌عنوان مثال، ترکیه که دارای یک رژیم سکولار بود اما در حال حاضر، نخبگان سکولار در کنار افراد جوان و روشنفکرانی حضور دارند که با نمادهای دینی مانند روسری و ریش گذاشتن ظاهر می‌شوند (همان: ص ۶۶۰). سکولاریسم، پدیده‌ای جهان‌شمول نیست، بلکه پدیده‌ای غربی است که نمی‌توان آن را به کل جهان تعمیم داد (یوسف‌زاده، ۱۳۸۷: ص ۱۴۷).

پیتر برگر بر این باور است که مدرنیته، ضرورتاً منجر به سکولاریسم نمی‌شود، بلکه امروزه، دین در حال بازگشت به جوامع است؛ بنابراین، ما شاهد افول سکولاریسم هستیم و نه افول دین؛ که از این مسئله به‌عنوان ظهور «پساسکولاریسم» تعبیر می‌شود (غفاری‌نسب و هاشمی‌پور، ۱۳۹۶: ص ۶۵۱). بر این اساس از آنجا که حضور یا ظهور دین در سپهر جامعه همراه با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و دستورالعمل‌های زندگی، حیات و سبک زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ابتدا به تعریفی از سبک زندگی ارائه می‌شود.

۳-۱. سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی در معنای امروز، پدیده‌ای مربوط به دنیای اجتماعی معاصر است؛ زیرا که در عصر حاضر سبک‌های زندگی مانند گذشته نیست و بنابراین روزه‌روز شاهد تنوع و گستردگی بیشتری در سبک زندگی هستیم (چاوشیان و اباذری، ۱۳۸۱: ص ۱۳۲). در رابطه با عوامل مرتبط با سبک زندگی؛ اگرچه مارکس (۱۸۴۸) اقتصاد را به‌عنوان عمل مسلط در تعیین سبک زندگی می‌دانست، اما برخی دیگر از جامعه‌شناسان مانند وبر (۱۹۷۸)، زیمل (۱۹۷۱) و بوردیو (۱۹۸۴)، برخلاف مارکس، عامل دیگری از جمله سرمایه فرهنگی را بر شیوه زندگی افراد مؤثر می‌دانند (کردی و هادی‌زاده، ۱۳۹۱: ص ۲۳-۲۵).

بوردیو در کتاب تمایز (۱۹۸۴) معتقد است که سبک زندگی، صرفاً مبنی بر دارایی‌های اقتصادی نیست، بلکه مهم‌تر از آن، سرمایه فرهنگی است که تأثیر به‌سزایی در شیوه‌های مصرف و سبک زندگی دارد. وی، مجموعه‌ای خاص از خلق و خوها در افراد را «عادت‌واره» نامیده است که همانند چارچوبی، کردارهای خاصی را پدید می‌آورد. عادت‌واره‌هایی که برای افراد درونی شده است و بوردیو مفهوم «ناخودآگاه فرهنگی» را

بر آن اطلاق می‌نماید (ایگلتون، ۱۳۸۱: ص ۲۴۰). بوردیو، مفهوم عادت‌واره را به «ذائقه» نسبت می‌دهد. ذائقه، افرادی را که سلیقه یکسانی دارند، به هم نزدیک و آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد (ریتزر، ۱۳۷۴: ص ۷۲۷). بوردیو، هر دو مفهوم عادت‌واره و ذائقه را به مفهوم دیگری به اسم زمینه یا میدان ارتباط می‌دهد. از نظر وی، ذائقه از طریق عملکرد ساخته می‌شود و در نتیجه، زمینه یا میدان را تحقق می‌بخشد (همان: ص ۷۲۲). بوردیو، نیز با کاربرد سرمایه مذهبی در رابطه با صاحبان کلیسا، در حقیقت به ارتباط مستقل دین با سبک زندگی اشاره دارد؛ چراکه دین می‌تواند به جهت‌گیری عناصر شناختی و هنجاری، به‌عنوان سرمایه‌ای فرهنگی، موقعیت فرد را در درون هر میدان از طریق ایجاد عادت‌واره‌ها تحت تأثیر قرار دهد، بر انتخاب‌های او اثر گذارد و علاوه بر آن، می‌تواند در ایجاد سبک زندگی دینی به معنای خاص آن تعیین‌کننده باشد (بوردیو، ۱۳۹۰: ص ۱۶۴).

تورستن وبلن^۱، در مورد سبک زندگی از اصطلاح «مصرف‌نمایشی» استفاده کرده است؛ یعنی اینکه، افراد برای کسب منزلت بیشتر، ثروت خود را نمود خارجی می‌بخشند و بنابراین، با نوع پوشش، زیورآلات و کالاهای لوکس، طبقه خود را از دیگران متمایز می‌سازند. اگرچه، وبلن، رفتارهای تظاهری را در مصرف می‌دید، زیمل بر مقوله همچون «مد» انگشت گذاشته است. از نظر زیمل، افراد در جامعه مُدرن، جذب مدهای گوناگون می‌شوند؛ زیرا سعی بر آن دارند تا هویت خود را از دیگران متمایز کنند (باکاک، ۱۳۸۱: ص ۲۶). انسان‌ها در دنیای مدرن، با سبک زندگی‌های متنوع و متفاوتی مواجه می‌شوند و بنابراین حتی اگر افراد بر سبک زندگی سنتی خود پافشاری کنند، ناخواسته تحت تأثیر سبک زندگی‌های دیگر قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۸: ص ۱۲۰).

سبک زندگی، دارای دو بُعد است؛ بُعد مادی که شامل مصرف امور مادی و اجتماعی و فرهنگی است و بُعد غیرمادی که شامل سلیقه و ادراک از امور است؛ زیرا ادراک و سلیقه از امور، به‌طور مستقیم قابل رؤیت و شناسایی نیستند، بلکه با واسطه رفتارها، نمادها و نشانه‌هایی که انسان به کار می‌برد، عینیت می‌یابند (خادمیان، ۱۳۸۲: ص ۴۶).

زیمل، نخستین جامعه‌شناس سبک زندگی مدرن است. از نظر او، سبک زندگی

1. Veblen

به کارگیری شیوه‌های خاص مصرف برای دستیابی به منزلت اطلاق می‌شود. در واقع، افراد از طریق نوع مصرف کردن سعی بر آن دارند تا هویت موردعلاقه خود را بسازند (باکاک، ۱۳۸۱: ص ۲۶).

آنچه از دورکیم برای پژوهش حاضر اهمیت دارد، منظر دورکیم به دین به مثابه سبک زندگی و الگویی از معنابخشی است. می‌توان ادعا کرد که از منظر دورکیم، دین، ساختاری معنایی و اجتماعی است که الگویابی زیست اجتماعی را در درون خود تعریف می‌کند. دورکیم، در کتاب تقسیم‌کار، به فرآیند سکولارشدن می‌پردازد و فردگرایی مدرن را به مثابه الگویی دینی مدرن معرفی می‌کند؛ یعنی کیش فردگرایانه مدرن که با مفهوم دین انسانیت آگوست کنت قابل قیاس است. لذا از منظر دورکیم، دین‌داری، خالق سبک زندگی است و نه لزوماً پیامد شرایط عینی (دورکیم، ۱۳۸۳: ص ۲۱۰).

بر اساس نظریه کنش وبر، دنیای اجتماعی را باید از زاویه افکار مردم، به خصوص ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها مشاهده نمود. وبر، خواسته است اثبات کند که «رفتار آدمیان در جوامع گوناگون، فقط وقتی فهمیدنی است که در چارچوب تلقی آن‌ها از هستی قرار داده شود. اصول جزمی دینی و تعابیر آن‌ها، جزئی از این جهان‌بینی است و برای درک رفتار افراد و گروه‌ها ناگزیر باید دین را هم درک کرد» (آرون، ۱۳۸۲: ص ۵۵۹).

بر مبنای این ایده، می‌توان نتیجه گرفت معنای ذهنی برگرفته از دین، که افراد برای کنش‌های خود قائل‌اند، بر انتخاب‌های افراد و به تبع آن، کنش‌ها و عادات آن‌ها مؤثر است و نهایتاً می‌توان با این استدلال، تأثیر باورها و عقاید دینی افراد را بر حوزه‌ای از دنیای اجتماعی؛ یعنی سبک زندگی بررسی کرد.

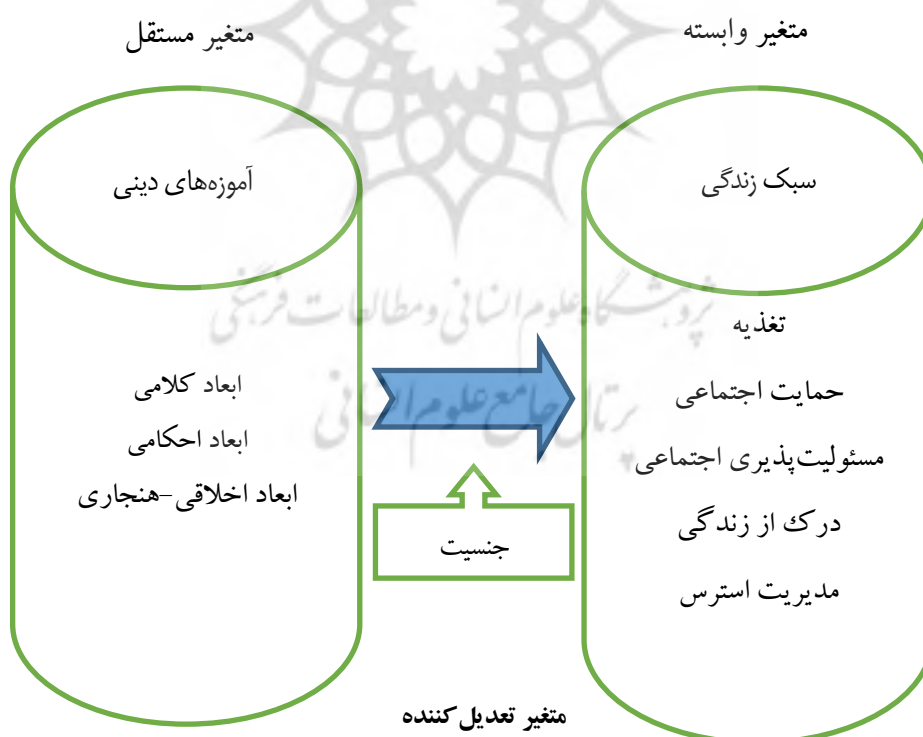
با این شرح، رابطه دین‌داری و سبک زندگی در نظریه‌ها را وقتی با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، به نظر می‌رسد این دو سازه به شدت درهم‌تنیده‌اند؛ ولی اولویت نظری و یا به عبارتی دیگر، متغیر مستقل در این نظریه‌ها دین‌داری فرض شده است و سبک زندگی، پیامد این نظام ارزشی و فرهنگی است. با این شرح و الگوگیری از این نظریه‌ها، فرضیه کلی پژوهش حاضر، مطالعه تأثیر آموزه‌های شیعی بر سبک زندگی خواهد بود که از نظریه‌های دورکیم، وبر و بوردیو استخراج شده است.

آموزه‌های دینی: می‌توان آموزه‌ها را در سه بُعد، تقسیم‌بندی نمود که عبارت است از:

ابعاد کلامی، ابعاد احکامی و ابعاد اخلاقی-هنجاری (عبدوس، ۱۳۸۳: ص ۹۳). منظور از ابعاد کلامی، عبارت است از: امامت، عقلانیت، معنویت و... منظور از ابعاد احکامی عبارت است از: امر به معروف و نهی از منکر و ... و منظور از ابعاد اخلاقی-هنجاری، عبارت است از: وفای به عهد، وقت‌شناسی، شجاعت، دوست‌یابی و...

گروه همسالان: متشکل از افرادی است که در یک مجموعه سنی خاص قرار می‌گیرند و دارای خواستی بالنسبه مشابه و معمولاً در سراسر زندگی‌شان ارتباطات نزدیک و دوستانه برقرار می‌کنند (احدی، بنی‌جمال، ۱۳۸۲: ص ۲۴). در این پژوهش، منظور از گروه همسال افراد دبیرستانی و رده سنی ۱۵ تا ۱۸ سال می‌باشد.

۴. مدل نظری پژوهش



۵. فرضیه‌های پژوهش

۵-۱. فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی، بر سبک زندگی دانش آموزان تأثیر دارد.

۵-۲. فرضیه‌های فرعی

۱. به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی (باورها، اعتقادات و احکام)، بر تغذیه دانش آموزان تأثیر دارد.

۲. به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی، بر حمایت اجتماعی بیشترین تأثیر را داشته باشد.

۳. به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی، بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر مثبت داشته باشد.

۴. به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی، بر درک از زندگی تأثیر گذار باشد.

۵. به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی بر ورزش (فعالیت‌های جسمانی)، تأثیر چندانی نداشته باشد.

۶. به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی، بر مدیریت استرس مؤثر باشد.

۶. روش تحقیق

پژوهش حاضر، به روش پیمایشی انجام شده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه بوده است. همسازی درونی گویه‌ها با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ که بیشتر از ۰/۷ بود مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری، «دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه ناحیه چهار قم» می‌باشند که در پایه‌های تحصیلی متفاوت می‌باشند. با توجه به آمار موجود، تعداد جامعه آماری ۱۰۱۸۰ نفر می‌باشد که از این تعداد ۴۹۶۰ نفر پسر و ۵۲۲۰ نفر دختر را شامل می‌شود. در این تحقیق، چون بنا به موضوع تحقیق به بررسی گروه پسر می‌انجامد و سپس برای انجام مقایسه و بررسی تأثیر جنسیت، گروه دختر به تحقیق افزوده می‌شود، نمونه‌گیری از این دو گروه به صورت مستقل انجام شده است. حجم نمونه، از طریق جدول مورگان به دست آمد و برای نمونه‌گیری، از هر دبیرستان و از پایه‌های مختلف تعدادی به شیوه تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از نرم‌افزار Spss استفاده شد.

۷. یافته‌های تحقیق

۷-۱. یافته‌های توصیفی

در جدول زیر، میانگین نمرات مربوط به پرسش‌نامه آموزه‌های دینی و سبک زندگی، به تفکیک جنسیت ذکر شده است. پرسش‌نامه مربوط به آموزه‌های دینی، پرسش‌نامه‌ای با ۳۶ سؤال بود که ارزش هر سؤال، نمره‌ای از ۱ تا ۵ می‌گرفت (۱ کم‌ترین ارزش و ۵ بیش‌ترین ارزش)؛ بنابراین، نمره مربوط به آموزه‌های دینی هر فرد، عددی بین ۳۶ تا ۱۸۰ می‌باشد. مطابق عمل فوق، میانگین نمرات سبک زندگی را محاسبه کرده با این تفاوت که در اینجا دامنه تغییرات نمره‌ها از ۴۰ تا ۲۰۰ می‌باشد.

جدول ۱: میانگین نمرات پرسش‌نامه آموزه‌های دینی و سبک زندگی به تفکیک جنسیت

میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	شاخص‌ها / متغیرها
۱/۱۲۸	۲۱/۴۱۱	۱۲۴/۵۲	۳۶۰	مرد	میانگین نمره پرسش‌نامه
۰/۸۲۲	۱۵/۶۰۲	۱۳۲/۰۴	۳۶۰	زن	آموزه‌های دینی
۰/۹۸۷	۱۸/۷۲۳	۴۳/۱۳۹	۳۶۰	مرد	میانگین نمره پرسش‌نامه
۰/۹۱۸	۵۳۴/۱۳	۱۴۶/۰۶	۳۶۰	زن	سبک زندگی

۷-۲. یافته‌های استنباطی

جدول زیر، آمارهای مربوط به برازش مدل رگرسیون، بین آموزه‌های دینی و سبک زندگی را نشان می‌دهد:

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیون بین آموزه‌های دینی و سبک زندگی (در حالت کلی)

خطای استاندارد برآورد	Adj. R Square	R Square	R	مدل
۵/۰۳۸	۰/۲۸۱	۰/۲۸۱	۰/۵۳۰	۱

مقدار R، میزان همبستگی بین متغیر وابسته و متغیر مستقل را نشان می‌دهد. با توجه به جدول فوق، این مقدار برابر با ۰/۵۳۰ شده است که نشان می‌دهد بین دو متغیر، همبستگی بسیار خوبی وجود دارد. مقدار R Square میزان تبیین واریانس و تغییرات متغیر وابسته توسط مجموعه متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که با توجه به جدول فوق، این مقدار برابر با ۰/۲۸۱ شده است. مقدار Adj. R Square مقدار ضریب تعیین را به منظور انعکاس بیش تر میزان نکوئی برازش مدل تصحیح می‌کند. با توجه به جدول فوق، این مقدار برابر با ۰/۲۸۱ شده است که نشان می‌دهد تقریباً ۲۸/۱ درصد از تغییرات متغیر سبک زندگی توسط متغیر آموزه‌های شیعی تبیین می‌شود.

جدول زیر نتایج تحلیل واریانس را نشان می‌دهد:

جدول ۳: تحلیل واریانس مربوط به رگرسیون بین آموزه‌های دینی و سبک زندگی (در حالت کلی)

مدل	مجموع مربعات	df	میانگین مربعات	F	Sig.
رگرسیون	۱۸۱۳۱۴/۵۱	۱	۱۸۱۳۱۴/۵۱	۷۱۴۳/۹۵	۰/۰۰۱
باقی مانده	۱۸۲۲۲/۹۶	۷۱۸	۲۵/۳۸		
کل	۱۹۹۵۳۷/۴۷	۷۱۹			

بر اساس جدول فوق، مقدار به دست آمده F، (۷۱۴۳/۹۵) که در سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۱ معنی دار است، نشان می‌دهد، متغیرهای مستقل از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده و قادرند به خوبی میزان تغییرات و واریانس متغیر وابسته را توضیح دهند. جدول زیر مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد که با آن می‌توان معادله رگرسیون را نوشت:

جدول ۴: ضرایب مربوط به رگرسیون بین آموزه‌های دینی و سبک زندگی (در حالت کلی)

مدل	ضرایب استاندارد نشده		t	Sig.
	B	Std. Error		
ثابت	۳۶/۰۵۸	۱/۲۷۶	۲۸/۲۵۶	۰/۰۰۱
سبک زندگی	۰/۸۳۲	۰/۰۱	۸۴/۵۲۲	۰/۰۰۱

با توجه به جدول فوق، معادله خط رگرسیون عبارت است از:

$$\text{(سبک زندگی} = ۳۶/۰۵۸ + ۰/۸۳۲ * \text{آموزه‌های دینی)}$$

با توجه به مثبت بودن ضریب آموزه‌های دینی، نتیجه گرفته می‌شود که این ارتباط در جهت مثبت بوده است و با افزایش نمره آموزه‌های دینی، نمره سبک زندگی افزایش می‌یابد.

با توجه به مطالب ذکر شده، برای پاسخ به سؤال مربوطه، می‌توان گفت که بر اساس جدول ۴ و مقدار به دست آمده $F(۷۱۴۳/۹۵)$ که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی دار است، نتیجه گرفته می‌شود که آموزه‌های دینی بر سبک زندگی گروه‌های دبیرستانی تأثیر دارد و با توجه به مثبت بودن ضریب آموزه‌های دینی در معادله خط رگرسیون $\text{سبک زندگی} = ۳۶/۰۵۸ + ۰/۸۳۲ * \text{آموزه‌های دینی}$ ، این نتیجه بدست می‌آید که این اثر در جهت مثبت بوده است و افزایش آموزه‌های دینی باعث افزایش کیفیت سبک زندگی می‌شود.

اکنون، به بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر سبک زندگی در حالت کلی پرداخته می‌شود که خلاصه‌ای از آن در جدول زیر آورده شده است. قابل ذکر است که نتایج به دست آمده از آمارهای زیر در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی دار می‌باشد.

جدول ۵): خلاصه تأثیر آموزه‌های دینی بر سبک زندگی (در حالت کلی)

آموزه‌های دینی	R	R Square	Adj. R Square	خطای استاندارد برآورد
ابعاد سبک زندگی				
تغذیه	۰/۰۴۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۲/۱۳۳
حمایت اجتماعی	۰/۸۷۸	۰/۷۷۱	۰/۷۷۱	۱/۸۵۸
مسئولیت پذیری	۰/۹۰۸	۰/۸۲۴	۰/۸۲۴	۱/۸۶۲
درک از زندگی	۰/۹۱۲	۰/۸۳۱	۰/۸۳۱	۱/۹۵۳
مدیریت استرس	۰/۹۰۹	۰/۸۲۵	۰/۸۲۵	۱/۸۲۲
فعالیت جسمانی	۰/۰۴۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۱/۷۵۲

نتایج ارائه شده در جدول فوق، گویای این است که در حالت کلی، تأثیر آموزه‌های دینی بر سبک زندگی در چهار بُعد (حمایت اجتماعی ۰/۷۷٪، مسئولیت‌پذیری اجتماعی ۰/۸۲٪، درک از زندگی ۰/۸۳٪، مدیریت استرس ۰/۸۲٪) رابطه مثبت و معنی‌داری است، ولی در دو بُعد (تغذیه ۰/۰۰۱٪ و فعالیت جسمانی ۰/۰۰۱٪) رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است؛ همان‌طور که در جدول نشان داده شده، آموزه‌های دینی در دو بُعد تغذیه و فعالیت‌های جسمانی، رابطه معناداری بر سبک زندگی نداشته و در نتیجه، از مقایسه گروه پسران و دختران نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد. نتایج حاصله در دو بُعد حمایت اجتماعی و مدیریت استرس، حاکی از برتری گروه پسران نسبت به گروه دختران می‌باشد، اما در مقابل برای گروه دختران در دو بُعد؛ درک از زندگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نتایج برتری حاصل گردیده است.

جدول ۷: خلاصه تأثیرات آموزه‌های دینی بر سبک زندگی (به تفکیک جنسیت)

آموزه‌های دینی ابعاد سبک زندگی	جنسیت	R	R Square	Adj. R Square	خطای استاندارد برآورد
تغذیه	مرد	-	-	-	-
	زن	-	-	-	-
حمایت اجتماعی	مرد	۰/۸۸۴	۰/۷۸۲	۰/۷۸۱	۱/۹۹۹
	زن	۰/۸۵۶	۰/۷۳۲	۰/۷۳۲	۱/۷۰۹
مسئولیت‌پذیری	مرد	۰/۹۰۱	۰/۸۱۱	۰/۸۱	۲/۱۶۵
	زن	۰/۹۱۱	۰/۸۳	۰/۸۳	۱/۵۰۲
درک از زندگی	مرد	۰/۹۰۸	۰/۸۲۴	۰/۸۲۴	۲/۲۰۷
	زن	۰/۹۱	۰/۸۲۹	۰/۸۲۹	۱/۶۲۲
مدیریت استرس	مرد	۰/۹۰۹	۰/۸۲۷	۰/۸۲۶	۲/۰۱۸
	زن	۰/۸۹۷	۰/۸۰۵	۰/۸۰۵	۱/۶۰۴
فعالیت جسمانی	مرد	-	-	-	-
	زن	-	-	-	-

در جدول فوق، خلاصه‌ای از تأثیر آموزه‌های دینی بر سبک زندگی به تفکیک جنسیت نشان داده شده است؛ البته قابل ذکر است که اگر در مؤلفه‌ای، آموزه‌های دینی بر روی سبک زندگی تأثیر گذار نبود، آنگاه بررسی این که تأثیر گذاری بر روی کدام گروه بیشتر بوده است، بی معنی خواهد بود و در عمل، مقایسه‌ای انجام نخواهد شد.

نتیجه گیری

با توجه به آزمون‌های انجام شده در حالت کلی، می توان گفت که میزان همبستگی بین نمرات کل آموزه‌های دینی با نمره سبک زندگی برابر با $0/281$ است که نشان دهنده آن است که در سطح خطای کوچک تر از $1/1$ می توان $28/1$ درصد از تغییرات متغیر سبک زندگی توسط متغیر آموزه‌های دینی تبیین گردد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می دهد که افزایش ضریب آموزه‌های دینی، باعث افزایش کیفیت سبک زندگی می شود و بنا بر نتایج برآمده از تحلیل، آموزه‌های دینی بر سبک زندگی هر دو گروه تأثیر مثبتی دارد ولی در کل، آموزه‌های دینی بر سبک زندگی گروه دختران تأثیر بیشتری دارد؛ زیرا افرادی که دارای اعتقادات محکم تری هستند، باعث می شود تا از حمایت اجتماعی خوبی برخوردار شوند؛ در نتیجه، داشتن اعتقادات مذهبی سبب شکل گیری سبک‌های زندگی سالم تری خواهد شد. چون در این محیط مذهبی، افرادی یافت می شوند که در مواقع بروز تنش و مراحل پر استرس به فرد کمک می کنند تا از گرفتار شدن در مشکلات فکری و روانی خلاصی یابند. همچنین اعتقادات و باورهای دینی سبب شکل گیری و ارتقای درک و فهم فرد از زندگی می شود و در رویارویی با مشکلات و ناملازمات زندگی خود را نباخته و برای آنها راه حل بهتری پیدا می کند و از آنجا که آموزه‌های اسلامی، بر مسئولیت فرد در قبال اعمال خود تأکید دارد، فرد از همان کودکی می آموزد که مسئول اعمال خود باشد و این روند در بزرگسالی سبب مسئولیت پذیری فرد در امور زندگی شده و قصورات خود را به گردن دیگری نمی اندازد.

در زمینه مدیریت استرس از یافته‌های پژوهشی نتیجه گرفته می شود؛ افرادی که دارای اعتقادات راسخ تر بوده و پای بندی بیشتری به آموزه‌های اسلامی دارند، از مدیریت استرس بهتری برخوردار هستند که این به دلیل توکل به خدا و توسل افراد به ائمه اطهار علیهم السلام و

دستیابی به نوعی آرامش درونی است که سبب می‌شود نسبت به افرادی که از این حمایت برخوردار نیستند، از سبک زندگی مفیدتر و کارآمدتری برخوردار باشند و موجب آرامش قلبی آن‌ها گردد. در رابطه با تغذیه با وجود آنکه، آموزه‌های اسلام همسویی نزدیک با یافته‌های علمی دارند، ولی در این پژوهش نتایج معناداری از تأثیر آموزه‌های دینی بر بعد تغذیه مشاهده نشده است. شاید یکی از دلایل چنین مسئله‌ای، این باشد که دانش آموزان در سن و سال نوجوانی بیشتر به ابعاد روحانی دین؛ یعنی حمایت اجتماعی و آرامش روحی تمسک می‌جویند و کمتر به دوران‌دیشی در رابطه با سلامت جسمانی و اتخاذ برنامه‌ای منسجم سلامت هستند؛ آن‌گونه که بزرگسالان معمولاً با حساسیت بیشتری پیگیر این موضوع هستند. از دیگر دلایل آن، شاید بتوان به رفتارهای پرخطر در سنین نوجوانی اشاره کرد؛ یعنی با آنکه افراد در این سن و سال آموزه‌های دینی در رابطه با تغذیه را پذیرفته و حتی به کار می‌گیرند، اما بروز رفتار پرخطر در این دوران آمار سلامت آن‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین در بُعد فعالیت‌های جسمانی، رابطه معناداری مشاهده نشده است و نتیجه تحقیق نشان نداده که میان افراد مقید به آموزه‌های اسلامی و افرادی که دارای پای‌بندی کمتری با این آموزه‌ها هستند، از فعالیت‌های جسمانی متفاوتی برخوردار هستند و نتایج نشان می‌دهد که بین این دو گروه، تفاوت معناداری در این بُعد وجود ندارد. این مسئله نیز می‌تواند تحت الشعاع عوامل دیگری قرار گرفته باشد از جمله اینکه؛ زندگی مُدرن شهری، نیازمند به فضای ورزشی متناسب با وضعیت جدید است اما این فضاهای ورزشی به صورت ناکافی وجود دارند و یا اینکه فضاهای ورزشی به نسبت جنسیت توزیع نشده‌اند.

کتاب‌نامه

۱. آرون، ریمون (۱۳۸۲)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
۲. آزاد ارامکی، تقی و وحید شالچی (۱۳۸۴)، «دو جهان ایرانی؛ مسجد و کافی شاپ»، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱، ش ۴، صص ۱۶۳-۱۸۳.
۳. احدی، حسن و شکوه‌السادات بنی‌جمال (۱۳۸۲)، روان‌شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک)، تهران: چاپ نشر و بنیاد.
۴. ازکیا، مصطفی و سکینه حسینی رودبارکی (۱۳۸۹)، «تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی»، نشریه رفاه اجتماعی، دوره ۱۰، ش ۳۷.
۵. ایگلتون، تری (۱۳۸۱)، درآمدی بر ایدئولوژی، ترجمه: اکبر معصوم بیگی و محمود متحد، تهران: نشر آگه.
۶. ایوبی، عرفان، مهدی شادنوش و میلاد نظرزاده (۱۳۹۱)، «ترجمه و اندازه‌گیری روایی و پایایی پرسش‌نامه سبک زندگی ارتقای سلامت به روش تحلیل عاملی»، مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دوره ۱۷، ش ۳، صص ۱۲۰-۱۱۴.
۷. باکاک، رابرت (۱۳۸۱)، مصرف، ترجمه: خسرو صبوری، تهران: نشر شیرازه.
۸. بوردیو، پیر (۱۳۹۰)، تمایز؛ قضاوت‌های ذوقی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
۹. بیدختی، علی‌اکبر و نوید شریفی (۱۳۹۱)، «بررسی نقش مداخله گرایانه سازه سرمایه اجتماعی در رابطه با دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، س ۱، ش ۳، صص ۱۳-۳۸.
۱۰. پویافر، محمدرضا و مهرداد نوابخش (۱۳۸۹)، «بررسی نشانه‌های عرفی شدن برای مطالعه تجربی در ایران»، مجله مسائل اجتماعی ایران، س ۲، ش ۱.

۱۱. تنهایی، ابوالحسن و شمس خرمی (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی براساس نظریه و روش گافمن؛ مطالعه موردی کرمانشاه»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، س ۳، ش ۶، صص ۱۹-۴۱.
۱۲. جلالی مقدم، مسعود (۱۳۷۹)، درآمدی به جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان کلاسیک درباره دین، تهران: نشر مرکز.
۱۳. چاوشیان، حسن و یوسف ابادری (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، صص ۳-۲۷.
۱۴. خادیمان، طلحه (۱۳۸۲)، سبک زندگی و مصرف فرهنگی، تهران: نشر جهان کتاب.
۱۵. خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر فرآیند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی؛ مورد مطالعه: زنان متأهل در شهرهای تهران، شیراز (استهبان)»، مجله: علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۳، ش ۲.
۱۶. خواجه‌نوری، بیژن، زهرا ریاحی و ابراهیم مساوات (۱۳۹۰)، «رابطه میزان دین‌داری با کیفیت زندگی جوانان شیراز»، نامه پژوهش فرهنگی، س ۱۲، ش ۴۶، صص ۱۲۷-۱۵۸.
۱۷. خواجه‌نوری، بیژن، صادق پناهی‌نسب و صدیقه جهانبازیان (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه میزان مذهبی‌بودن و سبک زندگی با از خود بیگانگی نوجوانان مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز در سال ۹۰-۱۳۹۱»، مجله: دین و ارتباطات، ش ۴۷، صص ۳۰-۵۲.
۱۸. دورکیم، امیل (۱۳۸۳ الف)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۱۹. _____ (۱۳۸۴ ب)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۲۰. ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
۲۱. شهابی، محمود (۱۳۸۶)، «سبک‌های زندگی جوان‌وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آن»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ش ۱۱.
۲۲. عبدوس، محمدتقی (۱۳۸۳)، آموزه‌های اخلاقی رفتار امامان شیعه، قم: بوستان کتاب.

۲۳. علینی، محمد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، قم: بوستان کتاب.
۲۴. غفاری‌نسب، اسفندیار و مریم هاشم‌پور (۱۳۹۶)، «مطالعه جامعه‌شناختی سکولاریسم و پاساسکولاریسم از منظر پیتر برگر»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۴، ش ۲، صص ۶۵۲-۶۶۱.
۲۵. فاضلی، محمد (۱۳۹۲)، نگاه راهبردی به سبک زندگی ایرانیان، قم: صبح صادق.
۲۶. فروند، ژولین (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر رایزن.
۲۷. کاویانی، محمد (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۸. کردی، حسین و سکینه هادی‌زاده (۱۳۹۱)، «بررسی سبک زندگی زنان شاغل و غیرشاغل»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، س ۳، ش ۴.
۲۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۳۰. نصرتی، شیما و ابوالفضل ذوالفقاری (۱۳۹۱)، «تأثیر میزان دین‌داری بر سبک زندگی جوانان تهرانی»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره ۵، ش ۱۴.
۳۱. وبر، ماکس (۱۳۷۳)، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۳۲. ویلن، تورستین (۱۳۸۳)، نظریه طبقه مرفه، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
۳۳. ولایتی خواجه، سمیه (۱۳۸۸)، «بررسی اثر دین‌داری بر سلامت»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۴۹.
۳۴. یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۸)، بررسی تحول آرای پیتر برگر درباره دین و عرفی‌شدن، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

35. Adegbola, M (2006), "Spirituality and Quality of Life in hronicIllness," *The Journal of Theory Construction & Testing*, Vol. 10, No.2: pp.42-46.

36. Berger, Peter L (1973), *The Social Reality of Religion*. Britain Penguin University Books.
37. Berger, Peter L. (2008), "Secularization Falsified. America's most" in *Fluent Journal of Religion and Public Life*, Issue 180.
38. Chaney, David (1996), "Life style", London: Routledgs.
39. Cohen, Adam B, & Harold G. Koeing (2003), "Religion, Religiosity and Spirituality in the Biopsychological Model of Health and Ageing," *Ageing International*, Vol. 28. No. 3: pp. 215-241.
40. Ducker, Ch. (2011), "Believing in Grace Davie: what does she bring to an understanding of mission in Europe"? *Encounters Mission Journal*, No 36: pp 1-12.
41. Hick, J. (2001), "The Theological Challenge of Religious Pluralism" In J. Hick, B. Hebblethwaite (Ed.), *Christianity and Other Religions*. London: One world Publications.
42. Holt, c.l.haire-Joshu. L. D, Lukwango. N:s,lewellyn.a.L,w.m. Kreutzer (2005), "The Role of Religious in Dietary belifs and Behavior American Women" cancer control.
43. Kahle, L, R; A.Tambyan,s.Tan,s.K,jung(2005), "Religion Religosity,and Values Implication for consumer Behavior" in haugterdt ,c.p., Meranka, D.and Warlop.L. (EDS) The Landa.
44. Larvic, M.& s. Flere(2008), "The role of Culture in The relationships affegt between Religiosity and Psychological Well-being," *Reling Health*, Vol. 47: p. 164-175.
45. Lim,C. & R.D. Putnam (2010), "Religion, Social Networks, and Life Satisfaction," *American Sociological Reviw*, Vol. 75, No. 6, P. 914-933.
46. Nooney, J. & E, Woodrum (2002), "Religious Coping and Church -Based Social as Predicators of Mental Health Outcomes: Testing a conceptual Model," *Journal for The scientific Study of Religious*, Vol. 41, No. 2: p. 359-368.
47. Poloma, M & B,Pendleton(1989), "Exploring Types Of prayer And Quality Of LifeA Research Note," *Reviw of Religious Research*, Vol. 31, No. 1: p. 46-53.

48. Thuswaldner, Gregor (2014), "A Conversation with Peter L. Berger: How My Views Have Changed, *The cresset*", Vol LXXVII, No. 3: pp. 16-21. Retrieved April 6, 2017, From http://thecresset.org/2014/Lent/Thuswaldner_L14.html.
49. Zulling, K.J, Ward,R.M.& T. Horn(2006), "The Association Between Perceived Sprituality, and Life Satisfaction", *The Mediating Role of Self – Related Health, Social Indicators Research*, Vol. 79: p. 255-274.

